



نوشته از دستگیر صادقی

## وضعیت فاجعه بار کودکان در افغانستان

لزوم احترام به کرامت انسانی ایجاب می کند که کودک به عنوان یک انسان دارای حقوق برابر با بزرگسالان انگاشته شود. برخورداری از حقوق برابر برای کودکان مستلزم حمایت همه جانبه از آنان است. در شماری از کشورها توجه به حقوق انسانها، کرامت انسانی، رشد، تعالی، بالندگی و تلاش در راستای ارتقاء حقوق کودک در قوانین داخلی و اصول و مفاد فراوان آن مدنظر قرار گرفته است و در راستای حقوق همه جانبه افراد زیر سن ۱۸ سال اقدام های زیادی انجام یافته و از رهگذر آن دستاورد های چشمگیری در این زمینه ها حاصل شده است.

در عرصه بین المللی، مهمترین سند حقوقی برای کودکان، کنوانسیون یا مقوله نامه حقوق کودک است که در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسیده و در آن مهمترین حقوق کودکان درج شده است.

بر اساس این سند، حقوق کودک و یا فرزند مجموعه ای از حقوق بشر ویژه کودکان شناخته شده که بر پشتیبانی و نگهداری از افراد جوان تمرکز دارد. حقوق کودکان شامل حق بر عدم تبعیض، حق حیات، حق بقا، حق رشد، حق بر ثبت نام، برقراری ارتباط با هردو والدین، هویت انسانی و همچنان نیازهای اساسی برای حفاظت فیزیکی، غذا، آموزش عمومی دولتی، مراقبت های بهداشتی و قوانین کیفری مناسب بر اساس سن و رشد کودک، حفاظت برابر از حقوق مدنی کودک و آزادی از تبعیض بر اساس نژاد، جنسیت، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، منشا ملی، مذهب، معلولیت، رنگ، قومیت یا سایر ویژگی ها را در بر می گیرد. در این سند کمیته ای برای بررسی وضعیت کشورها در زمینه حقوق کودک نیز ایجاد شده است.

پروتوکل های اختیاری سه گانه پیمان نامه حقوق کودک پیرامون «خرید و فروش، فحشا و هرزه نگاری کودکان»، «به کارگیری کودکان در مخاصمه های مسلحانه» و «آیین مکاتبات» به کنوانسیون حقوق کودک اضافه شده است که بر طبق آن یک فرد، گروهی از افراد و یا نمایندگان آنان در قلمرویی یک دولت عضو این پروتوکل می توانند موارد نقض هر یک از حقوق کودک مندرج در پیمان نامه حقوق کودک یا پروتوکل های اختیاری که دولت متبوع شان به عضویت آن درآمده است را مستقیماً به کمیته بین المللی حقوق کودک گزارش کنند.

در روشنی آنچه در باره حقوق کودکان بر مبنای کنوانسیون مربوط به آن نگاشته شد، حالا نگاهی فشرده به چگونگی وضعیت کودکان و اطفال در سرزمینی به نام افغانستان با استفاده از منابع نهادهای بین المللی و رسانه‌های جمعی می‌اندازیم تا این فاجعه جانسوز بیشتر درک گردد.

براساس آخرین گزارش تهیه شده نهاد بین المللی موسوم به «حقوق کودکان» در ارتباط به شاخص جهانی حقوق کودک در سال ۲۰۲۳ میلادی، افغانستان یکی از بدترین کشورها در زمینه‌ی حقوق کودکان شناخته شده است. این نهاد در گزارش خود وضعیت کودکان در ۱۹۳ کشور جهان را از نظر شاخص‌های زندگی، مراقبت صحی، آموزش، حفاظت و فراهم کردن محیط برای تأمین حقوق، بررسی کرده است. براساس شاخص‌های این نهاد، کشورهای چاد، سودان جنوبی و افغانستان بدترین کشورهای جهان برای کودکان هستند و پایین‌ترین رتبه را در رتبه‌بندی جهانی از میان ۱۹۳ کشور جهان بدست آورده‌اند.

افغانستان در رده‌بندی این نهاد، در جایگاه ۱۹۱ جهان قرار دارد.

در گزارش این نهاد آمده است که ممنوعیت آموزش دختران پس از تسلط طالبان بر افغانستان، باعث افزایش ازدواج و کار کودکان شده است. این نهاد گفته است که براساس کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، آموزش از حقوق اساسی هر کودک است، اما در افغانستان کودکان به صورت گسترده به این حق دسترسی ندارند.

نهاد حقوق کودکان گفته است که انکار حق آموزش کودکان افغانستان، نه تنها نگرانی‌ها را در مورد آموزش، بلکه در مورد حقوق آنان برای توسعه‌ی همه‌جانبه، اطلاعات، مشارکت و ایمنی نیز افزایش می‌دهد. گروه طالبان از زمان تسلط دوباره بر افغانستان، دختران بالاتر از صنف ششم را از رفتن به مکتب منع کرده است. براساس آمار سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل متحد (یونسکو)، بر اثر این ممنوعیت بیش از ۱.۲ میلیون کودک در افغانستان از آموزش محروم شده‌اند. طالبان دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی خصوصی را نیز به‌روی دختران مسدود کرده‌اند.

سال گذشته سازمان حفاظت از کودکان هشدار داده بود که منع کار زنان توسط طالبان زمینه‌ساز کار کودکان در جاده‌ها و کارخانه‌ها خواهد شد. این سازمان در ماه جدی ۱۴۰۱ خورشیدی گفته بود که والدینی که ناامید از تغذیه خانوادگی خود هستند، به‌طور فزاینده‌ای فرزندان‌شان را برای کار در محیط‌های اغلب خطرناک می‌فرستند.

در بهار امسال صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد اعلام کرد که از هر پنج کودک در افغانستان یک کودک مجبور است کار کند. این نهاد گفته بود که ۲۲ درصد کودکان کار در افغانستان مشغول کارهای «خطرناک» هستند. این سازمان در تازه‌ترین مورد از نیاز شدید نزدیک به سی میلیون شهروند افغانستان به کمک‌های بشری خبر داده است. بربنیاد گزارش یونسف، در این میان نزدیک به شانزده میلیون کودک به کمک جدی بشری نیازمند می‌باشند. از سو دیگر بیماری‌های سوء تغذی و اسهال کودکان به علت ناداری و نبود غذای کافی و صحی مشکل بزرگ دیگری در برابر کودکان افغانستان دانسته شده است.

در یک گزارش تحلیلی مفصل زیر عنوان «خشت‌های پخته و آرزوهای سوخته» که به تاریخ پنجم میزان ۱۴۰۲ در روزنامه اطلاعات روز به نشر رسیده، وضعیت خیلی رقتبار و فاجعه بار کودکان کار در داش‌های خشتیزی در شهر مزار شریف ولایت بلخ به تصویر کشیده شده است که در آن کودکان پسر و دختر همراه با والدین خود مشغول خشت زنی هستند آنان برای تأمین معیشت خود از زادگاه اصلی‌شان، ولسوالی صیاد ولایت سرپل، کوچیده‌اند و در منطقه‌ی «گوری مار» در ولسوالی نهر شاهی ولایت بلخ زنده‌گی می‌کنند آنان به ابتدایی‌ترین امکانات زنده‌گی دسترسی ندارند، از سختی روزگار، زن و مرد و کودک و جوان تن به کار شاقه داده‌اند.

یکی از این کارگران، دختر خردسالی است که در کنار پدرش خشت‌زنی می‌کند. او درحالی که در دیگر مناطق بلخ دختران هم‌سن او هنوز سرگرم بازی‌های کودکانه‌اند، می‌خواهد در تأمین معیشت خانواده هم‌دست پدرش باشد تا شاید اندکی از فشار روزگار و تنگدستی را از دوش او برداشته باشد. این خانواده در یک روز دوهزار خشت می‌زنند و در برابر این کار حدود هشتصد افغانی مزد دریافت می‌کنند که تنها هزینه درمان چند عضو بیمار خانواده را کفایت می‌کند و برای تهیه غذا برای شان پولی باقی نمی‌ماند.

بر اساس گزارش رسانه‌ها، روزانه صدها کودک زباله‌گرد در خیابان‌های کابل روز شان را به شب می‌رسانند. این کودکان بیشتر، آهن‌پاره، پلاستیک، کاغذ، غذاها و مواد عضوی غیر قابل استفاده را از داخل و اطراف آشغال‌دانی‌های شهر جمع می‌کنند.

کودکان زباله‌گرد در معرض آسیب‌های امنیتی، روانی، اجتماعی و بیماری‌های گوناگون قرار دارند. این گزارش، تصویری از رنج بی‌پایان زندگی کودکان زباله‌گرد در کابل را روایت می‌کند.

اضافه بر آن، برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد (WFP) اعلام کرده است که چهار میلیون تن به شمول ۳،۲ میلیون کودک در افغانستان به سوء تغذیه حاد مبتلا هستند. ۲۹،۲ میلیون نفر یعنی دو سوم بخش جمعیت افغانستان در سال ۲۰۲۳ به کمک‌های بشر دوستانه نیاز دارند و از آنجمله ۱۵،۳ میلیون تن در افغانستان «به شدت» در ناامنی غذایی قرار دارند. برنامه جهانی غذا افزوده که این سازمان در سال جاری مجبور شده که کمک‌هایش را به ۱۰ میلیون افغان کاهش دهد، در حالی که جان میلیون‌ها تن هنوز در خطر است. این نهاد تأکید کرده که برای جلوگیری از افزایش بیشتر نرخ سوءتغذیه و سطح گرسنه‌گی، به حمایت‌های بشردوستانه مستمر نیاز است. در گزارش آمده است که بین ۳۰ تا ۵۰ درصد از خانواده‌های افغان در حال حاضر قادر به خرید غذای مغذی کافی نیستند.

با به قدرت رسیدن دوباره طالبان و تطبیق سیاست‌های تبعیض آمیز قومی و اپارتاید جنسیتی در افغانستان به شمول محروم ساختن دختران از ادامه تحصیل و ممنوعیت کار بانوان در تمام عرصه‌های زنده‌گی اجتماعی و فرهنگی، این وضعیت فاجعه بار بر زنده‌گی کودکان به شدت آسیب رسانیده و بیشتر از همه آنان را متاثر ساخته است. بنابر فقر حاکم بر زنده‌گی جامعه که نود درصد جمعیت افغانستان را در بر می‌گیرد و ظلم و ستمی که بر آنان مستولی شده است، و انواع ناهنجاری‌های ناشی از آن سبب گردیده تا بیشترینه کودکان صدمه ببینند. کودکان بطور اجباری به بازار کار با همه مصیبت‌های ناشی از آن رانده شده‌اند؛ به گونه مستقل و یا یکجا با خانواده در کارهای بسیار شاقه سهیم گردیده‌اند؛ برای نجات خانواده از مرگ حتمی فروخته شده و یا به ازدواج‌های اجباری داده شده‌اند؛ عضوهای بدن شان به فروش رسیده و شماری زیادی از آنها به تولید، فروش و قاچاق مواد مخدر مصرف شده‌اند؛ و حتا پای شان در بازارهای تجارت جنسی و فاحشه‌خانه‌های کشورهای منطقه و بیرون از منطقه باز شده است. اضافه بر آن شمار زیادی از آنان در فرار از کشور و از راه‌های بسیار پرمخاطره و طولانی جان شان را از دست داده و میدهند. در نهایت چنین است وضعیت بسیار فاجعه بار و وحشتناک زنده‌گی کودکان معصوم در کشوری به نام افغانستان.

ادامه نظام منحط طالبانی بر مبنای ایدئولوژی سلفی و بنیادگرایانه اسلامی، در بستر سنت‌های سخت عقب‌مانده قبیله‌یی و روستایی، در مجموع کشور را به یک مرکز خیلی خطرناک و تهدید کننده تروریستی و دهشت افگنی در جهان مبدل ساخته و می‌سازد. این مرکز تروریستی با استفاده از جغرافیای بسیار مغلق موجود و تهدید کشورهای منطقه و جهان زمینه مداخله‌های بسیار ویرانگر بیرونی را فراهم خواهد ساخت و بار دیگر این کشور را در معرض تهاجم قدرت‌های بزرگ که خود زمینه ساز چنین وضعیت بوده‌اند، قرار خواهد داد.

در چنین شرایط بی نهایت ناهنجار که زمینه استفاده از کودکان افغانستان در مدرسه های جهادی و مغز شویی آنان و تبدیل و تغییر آنان به روباتهای خون آشام تروریستی ممکن گردیده است ، ضرور است تا اجازه نداد که این نظام فاسد و ضد انسانی به قوام برسد و شاخ و پنجه بکشد و پایدار گردد. بنابر آن رسالت و وظیفه میهنی همه نیروهای وطن دوست، آزادی خواه و ترقی پسند کشور و آنانی که تا هنوز عشق به وطن و مردم در سینه های شان می جوشد، می باشد که این خطر بسبار بزرگ را درک کنند و خارج از هر نوع تعصب و تنگ نظری با یک آجندای باز و روشن، یکدیگر را دریابند، متحد شوند و برای سرنگونی این نظام منحط و قرون وسطایی و برای افغانستان آزاد و آباد از هر وسیله ممکن استفاده برند.

**شما چه فکر می کنید که چگونه می توان جلوی این فاجعه بزرگ انسانی را گرفت و روند آن را دگرگون ساخت؟**

۳۰ اکتوبر ۲۰۲۳